**راپورت ها**

بنمانند مردم از بد و نیک‏ وز بد و نیک داستان ماند

[ امام جمعه و سید عبد اللّه ] یوم دوشنبه 22 شهر شوال المکرم

در منزل حاجی شیخ فضل اللّه جماعتی از طلاب و سادات آنجا بودند صحبت شد از روز گذشته‏ و مجلس شورای ملی.حاجی میرزا خلیل گفت دیروز امام جمعه وارد مجلس شد.آقای آقا سید عبد اللّه در توی اطاق خارج بودند آقای امام هم رفتند در آن اطاق،وقتی که امام رسیدند توی اطاق‏ آقا سید عبد اللّه گفتند خدا گواه است که من نمیتوانم حرکت بنمایم یعنی تواضع نمیتوانم بکنم. امام هم جواب گفتند و اللّه بحق جدم قسم است که راضی نیستم حرکت بفرمائید و بعد به این واسطه‏ خیلی صحبت کردند و بحمد اللّه صلح واقع شد.حضرات طلاب و سادات گفتند بحمد اللّه خدا را شکر که فیما بین اینها هم صلح شد.خیلی نعمت عظیمی شد این امر هم مطلبی بزرگ بود.

آقا شیخ احمد گفت به آقا سید محمد قبول نکرد که امام جمعه بیاید بمنزلش چونکه پریروزها امام رفت امریه منزل آقا سید محمد و قبول نکرد آقا سید محمد بیاید بیرون جواب گفت اما آقا سید عبد اللّه خیلی مرد رندی کرد و صلح کرد.

بعد صحبت شد از اینکه آقا شیخ احمد گفت در چند شب قبل صدر اعظم ساعت پنج از شب رفته‏ میفرستند بجهت تمام آقایان و تا ساعت هشت از شب رفته منزل صدر اعظم بودند.حاجی میرزا خلیل‏ گفت تمام آقایان نبودند سه نفر بودند و اینها دو سه ساعت منزل آنها بودند و بعضی مطالب خارج‏ بوده است گفتگو کردند.

بعد صحبت شد از ولیعهد آقا شیخ احمد گفت نایب السلطنه و دیگران خیلی ترتیبات دارند و خیالات دارند و مفسدین دست یکی کردند که این نظام نامه مجلس را ندهند و هر شب مخبر السلطنه و دیگران پیش نایب السلطنه هستند خلوت دارند و تمامش از اینگونه سخنها میگویند.بعد قدری صحبت‏ متفرقه داشته شد مجلس بر هم خورد.اطلاعا عرض شد.

مجلس سنا،دستهء کاردیها راپورت یوم یک شنبه 14 ذی القعده

امروز در خانهء آقای آسید محمد چند نفر بودند و آقای آسید محمد از جهت آنها صحبت‏ میکرد،که دیروز رفتم خدمت قبلهء عالم احوالپرسی شاه حالت ضعف داشت.بعد حضرت ولیعهد جائی‏ را ترتیب دادند رفتیم در اطاق دیگر.حضرت ولیعهد بود و صدر اعظم بود و آقای وزیر مخصوص بود و آقای اقبال الدوله بود.آقای امیر بهادر هرچه کردخود را داخل کند حضرت ولیعهد قبول نکرد. بنا کردند نظام نامه را خواندن.حضرت ولیعهد تمام را قبول کرد مگر یک چیز را،فرمود باید که مجلس سنا وکلای دولت بیشتر باشد.بعد آقای آسید محمد گفته بود که خیر باید وکلای ملت بیشتر باشد بقدر دو ساعت گفتگو کردیم تا آنکه قرار دادیم که برابر باشد.یکنفر از دولت و یک نفر از ملت و دیگر هر حکومتی که خواست جائی برود حقوق از دولت بگیرد و بعد بیاورند در مجلس.آنوقت‏ مجلس صحه بگذارد.

و دیگر آنکه از بابت روز جمعه که آقای آسید جمال در منبر گفتگو کرده بود دیروز آقای‏ آسید محمد بنا کرده بود بد گفتن که دیگر بالای منبر صحبت بیهوده نکن،من راضی نیستم،این‏ دشمن‏هائیکه ما داریم دست دشمن قوی میباشد.

از اقوامهای آقای آسید محمد میگفت که پولی دادند برؤسای مجلس آنها هم کوتاهی میکنند و پشتی دولت هستند.من خیال کردم که بآقای آسید عبد اللّه دادند بعد معلوم شده که رئیس مجلس‏ غیر از علماء دادند.

عرض دیگر امروز صبح قریب دویست نفر از توپخانه مبارکه میروند در امیریه خدمت حضرت‏ والا شاهزاده.مشدی بعد میفرماید چه خبرست؟عرض میکنند که تمام افواج را جیره مواجب‏ مگر بما.بعد میفرمایند بنویسید بحضرت والا آقای امیر کبیر عریضه خدمت حضرت والا آقای‏ نایب السلطنه عرض میکند.حضرت والا توپچی‏ها را میخواهد میفرمایدچشم چشم،همقطارها شما بروید روز سه شنبه جیره و مواجب شما را خودم میدهم آنها که میروند دستهء کاردی‏های آقای عزیز سلطان‏ می‏آیند.بعد حضرت والا آقای نایب سلطنه میفرماید که اینها کیند؟عرض میکنند دسته کاردی‏ هستند و آنها هم از جهت جیره و مواجب آمده‏اند بست.بعد میفرماید که شما هم بروید روز سه شنبه‏ هم بشما و هم بتوپخانه میگویم بدهند.بعد تمام دعا هم باعلیحضرت همایونی و هم بحضرت والا میکنند.محض اطلاع بحضور مبارک عرض شد.

عرض دیگر دستهء موزیک که در فوج سواد کوهی بودند آنها هم تماما بدولت بد میگفتند و با هم متفق شدند که تماشای فردا که روز دو شنبه میباشد بروند بست بنشینند.آنها هم فردا میروند. میگفتند صاحب منصب‏مان جواب داده.